

”

مرحوم آوینی یک انسان متمایزی پیدا کرده است و سعی دارد میدان‌های نقش آفرینی آن انسانی که رجوع پیدا کرده به انبیا و طرح آنها را پیدا کند و عرصه‌هایی که او در این میدان‌ها حاضر می‌شود را به تصویر بکشد

نشست‌های هم‌عزم که بنا دارد گفت‌وگوهای انتقادی را پیرامون نحوه اتصال نظر و عمل در فرایند گفتمان‌سازی پیشرفت پی بگیرد، انتخاب عنوان «از روایت فتح تا روایت پیشرفت» برای سه نشست ابتدایی خود را بر اساس این واقعیت انتخاب کرده است که شهید آوینی یک التفاتی به ساخت روایت، چه در خود مستندش و چه در آن فرایند شکل‌گیری و حتی انتخاب تیمش داشته است که شایسته توجه است. در مقایسه روایت فتح و روایت پیشرفت، نگاه این نیست که روایت پیشرفت باید از روایت آوینی الگو بگیرد، بلکه حرف این است که در گسترش روایت پیشرفت، بازخوانی تجربه و ویژگی‌های متمایز کار آوینی نسبت به هم‌عصران خودش، می‌تواند به ما کمک کند. موضوع نشست دوم هم‌عزم، «چگونگی ساخت روایت» است و این پرسش را مطرح می‌کند: «با فرض توجه آگاهانه شهید آوینی به چگونگی ساخت روایت و نسبی که سعی داشته با واقعیت برقرار کند، در گفتمان پیشرفت امروز ما، واقعیت موجود چیست و روایت ما چه نسبی با آن برقرار می‌کند و چگونه از دل واقعیات آن ساخته می‌شود؟»

## روایت رؤیایی انسان انقلاب اسلامی

### حسین مهدی‌زاده (مسئول میز نظریه جامعه فرهنگستان علوم اسلامی)

مرحوم آوینی یک انسان متمایزی پیدا کرده است و سعی دارد میدان‌های نقش آفرینی آن انسانی که رجوع پیدا کرده به انبیا و طرح آنها را پیدا کند و عرصه‌هایی که او در این میدان‌ها حاضر می‌شود را به تصویر بکشد. چون ممکن است این انسان باشد و هیچ‌کس او را نبیند یا این انسان باشد ولی کسی متوجه تمایزش نشود. درست است که زبانش یک زبان شاعرانه‌ای است، حالا به تعبیر برخی تأویلی است، ولی هنرش این است که متن اتفاقاتی که این انسان داخلش است را موضوع قرار می‌دهد، متن حرکت کردن و جوشیدن و ساختن و روزمرگی و روزانه حرکت کردن آنها را؛ به تعبیری یک ژورنالیسم موجود جدید. ژورنالیست مأموریتش این است که روزمره را از زاویه آرمان مدرن بخواند. آوینی دارد سعی می‌کند روزمره را از یک دیدگاه دیگری بخواند و البته سعی می‌کند به نحوی تصویر ایجاد کند که این تصویر دیگران را هم برانگیزاند و به سمت این انسان جدید بکشاند. البته آوینی فقط روایت فتح هم نساخته، مستند خان‌گزیده‌ها را هم ساخته است. او با خان‌گزیده‌ها دیگر راه برگشتی برای خان‌ها باقی نمی‌گذارد و این کار خیلی بموقعی برای جهاد است؛

چون در آن لحظه اگر آوینی این کار را انجام نمی‌داد، بخشی از کار جهاد پیش نمی‌رفت. آوینی در عرصه‌های مختلف، برای حرکت و ضرورت این انسان جدید دارد سعی می‌کند و برای بقای آن در بستر انقلاب اسلامی می‌جنگد.

به گمانم ما از پایان جنگ و از دوره سازندگی، می‌توانیم انسان انقلاب اسلامی را با یک چیزی شبیه به سنت غیبت یاد کنیم. در دوره‌های غیبت، یک نوع مبارزه زیرزمینی، ولی نه از جنس مبارزه سیاسی بلکه مبارزه تقریباً فرهنگی، شکل می‌گیرد تا حجم آگاهی و حجم انتخاب مردم برای حق، دوباره به حالتی برگردد که حق بتواند آشکار شود. غیبت به معنای مرگ موجود غایب نیست و وقتی من می‌گویم غایب، یعنی نه اینکه اثر ندارد. غایب یعنی انسان طرف مقابل حق دارد در جامعه تکثیر شود و ساختارها به نفع او است. مثلاً الان یک چیزی داریم به اسم سازمان وقف، این برای یک انسانی است که انسان وقف است. وقف به لحاظ فقهی یعنی حبس المال لغیر نفسک، یعنی من مال خودم را برای استفاده غیر خودم مقرر می‌کنم. اما الان سازمان وقف مان دارد مثل یک سرمایه‌دار مال‌سازی می‌کند. این یعنی اینکه امام رضا را آن پشت‌غایبش کردید و این دیگر امام رضا نیست که در حال توسعه پیدا کردن است. پس در جامعه، انسان حاضر یعنی انسانی

